

## سخن سردبیر

ما در مواجهه با موارد اخلاق عملی معمولاً دو روش استدلال را به کار می‌بندیم که یکی از آنها به بررسی نتایج اعمال می‌پردازد و دیگری به بررسی قوانین یا اصولی که باید بدون در نظر گرفتن نتایج اعمال از آنها پیروی کرد و تعجیبی نیست که افراد بسیاری درباره موضوعات عملی اخلاق به همین ترتیب فکر کرده و عمل می‌کنند. در طرح تئوری اخلاقی دقیقاً همین موارد مشاهده می‌شود. گروهی برای تحلیل و بررسی موضوعات عملی اخلاق، مجبور به اندیشه در مورد موضوعاتی انتزاعی شده و در نتیجه تفکر اکثر آنان در خصوص اخلاقیات به شیوه‌هایی مشابه سوق داده می‌شود. با این وجود درمی‌یابیم که در میان اکثر افراد، اعتقادات اخلاقی مشابهی برای ارائه بحث منطقی درباره موضوعات عملی اخلاق وجود دارد، حتی اگر اختلاف نظرهایی نیز وجود داشته باشد. این دو روش استدلال دو بعد مجزای اخلاقیات را شکل می‌دهند. بنابر تفکر مبتنی بر نتایج و عواقب اعمال (نتیجه‌گرایی)، ما باید اعمالمان را براساس بهترین نتیجه ممکن بسنجیم، در حالی که براساس علم اخلاق، اعمال هر کس باید برپایه موازین تعیین شده در حوزه حقوق و قوانین اخلاقی باشد و این تا حدی از نتایج حاصل از اعمال، مجزا و مستقل می‌باشد. از آنجایی که این دو روش تفکر در مباحث روزمره اخلاقی به کار می‌روند ذکر آنها ضروری به نظر می‌رسد. توصیف ابتدایی این تئوری‌ها بیش از حد ساده خواهد بود و بعد از این که به نقاط ضعف آنها پی بردیم بهتر می‌توانیم شاهد عملی و معقول‌تر ساختن آنها باشیم. زیرا این مسئله اولین گام برای به تئوری درآوردن اخلاقیات است؛ یعنی درست همزمان با تفکر

درباره مشکلات واقعی اخلاقیات، ما مجبور به طرح و بیان تئوری آن هم به شیوه‌ای بسیار ساده هستیم.

توجه به این نکته ضروری است که نباید فرض کرد افراد معتقد به تئوری‌های یکسان الزاماً قضاوت‌های همانندی از موضوعات عملی اخلاق داشته باشند و یا برعکس افرادی هم که قضاوت‌های همانندی دارند نباید الزاماً به یک تئوری اعتقاد داشته باشند و به همین دلیل ارزیابی افراد از موارد اخلاقی یکسان نیست. دانستن نظریات و تئوری‌های افراد بیانگر درست یا غلط بودن آن‌ها نیست. با این وجود تئوری‌های اخلاقی حتی چگونگی عمل ما در شرایط مختلف و این که آیا و چگونه برخی جلوه‌های اعمال ما با اخلاقیات در ارتباطند را مشخص نمی‌کند. تئوری‌های مختلف معیارهای اخلاقی متفاوتی را تعیین می‌کنند و حتی تئوری‌هایی که معیارهای یکسانی را به کار می‌برند شاید ارزش متفاوتی را برای این معیارها قائل شده باشند.

پیروان مکتب نتیجه‌گرایی معتقدند که ما از لحاظ اخلاقی باید به روشی عمل کنیم که بهترین نتیجه را به همراه داشته باشد، شناخت دلیل جذاب بودن نظریه آن‌ها چندان هم دشوار نیست، زیرا آنان از همان روش استدلالی که ما در تصمیم‌گیری‌های توأم با احتیاط خود عاقلانه یا مرتبط با منافع شخصی، استفاده می‌کنیم، بهره می‌جویند.

با این وجود باید برای تفکیک علم اخلاق از نتیجه‌گرایی به بحث بیشتری پردازیم. زیرا اکثر پیامد‌گراها بر این باورند که تئوری آنان نیازمند قوانین اخلاقی است و بر این اساس معمولاً بهتر است که افراد تابع قوانین یکسانی باشند تا این که هر کسی یک معیار اخلاقی داشته باشد. معهدا تئوری‌ها اساساً در مورد پایه‌های قوانین و جایگاه آنها توافق ندارند. نتیجه‌گراها فکر می‌کنند که قوانین اشتقاقی

بوده و در صورت به همراه آوردن بهترین نتایج برای افراد قابل قبول هستند و در مقابل متخصصان علم اخلاق مدعی هستند که تعهدات اخلاقی هر چه باشند به وسیله قوانینی که بیشتر مستقل از نتایج هستند تعریف می‌شوند. ما باید از قوانین اخلاقی حتی اگر بهترین نتیجه را نداشته باشند تبعیت کنیم و بیشتر مردم با این نظر موافقت می‌کنند. اگر کسی به ما و درباره ما دروغ بگوید ما آزرده‌خاطر می‌شویم حتی اگر این عمل فواید و منافع مهمی برای دیگران به همراه داشته باشد. همه ما از انجام آزمایش‌های پزشکی بر روی انسان‌ها مانند آنچه که پزشکان آمریکایی روی سیاهان منطقه روستایی تاسکجی انجام داده‌اند ناراحت می‌شویم، هر چند که چنین آزمایش‌هایی منفعی برای سایر انسان‌ها به همراه داشته باشد.

البته شاید روشنفکران پیامدگرا موافق این نکته باشند که ارزش انجام آزمایش‌های پزشکی روی انسان‌ها معمولاً و تا حد بسیار زیادی از منفعت احتمالی دیگری بیشتر است. به علاوه آنها می‌دانند یا باید بدانند که اکثر ما دوست داریم قوانین را براساس منافع خود به کار ببریم و در مورد قضاوت درباره خطرات و زیان‌های احتمالی دقیق نیستیم لذا باید پیش از نقض ممنوعیت‌های طبیعی اخلاقی بیش از حد دقیق باشیم.

با این وجود چنین به نظر می‌رسد که به نظر یک نتیجه‌گرا اگر نقض این هنجارهای اخلاقی بدون داشتن هیچ تأثیر غیراخلاقی دیگری تنها راه نجات زندگی چندین انسان باشد، این آزمایش‌ها از لحاظ اخلاقی مجاز و شاید الزام اخلاقی به حساب آید. در حالی که متخصصان علم اخلاق از وجود محدودیت‌های اخلاقی در مورد نحوه رفتار افراد با یکدیگر خشنودند. نتیجه‌گرایان آن را نفی می‌کنند و همین امر باعث اعتراض خیلی از افراد شده است زیرا اگر ما تنها نتایج را در نظر بیاوریم اکثر اعمال ما غیراخلاقی خواهد بود و به علاوه بنا بر نظر

متخصصان علم اخلاق، در اکثر موارد که نتیجه‌گرایان نسخه‌هایی از اخلاق پیچیده و برای دیگران تجویز می‌کنند، مبتنی بر دلایل نادرستی است. اما نه تنها باید اعمال صحیح را تشخیص دهند بلکه دلایل اعمالشان هم باید صحیح باشد، با وجودی که پیروان علم اخلاق باور دارند که اهمیت قوانین و اصول را باید بدون در نظر گرفتن نتایج و عواقب عمل تعیین کرد ولی در مورد اعمال درست یا نادرست و یا میزان درستی یا نادرستی آنها اتفاق نظر ندارند. خلاصه اینکه متخصصان علم اخلاق و پیامدگراها با هم اختلاف نظرهای زیادی دارند. با این وجود تمایز میان این تئوری‌ها به پدید آمدن دو روش مهم تفکری در سنجش اخلاقیات در موارد خاص منجر می‌گردد.

سردبیر